

شنبه 8 شهریور 1399 - 9 محرم 1442 - 29 اگوست 2020

امضای معاهده ننگین تقسیم ایران بین روسیه و انگلیس در عهد "محمد علی شاه قاجار" (1286 ش)



امضای معاهده ننگین، تقسیم ایران بین روسیه و انگلیس، در عهد "محمد علی شاه قاجار" (1286 ش)، روسیه و انگلستان از سال 1813؛ها قبل رقابت شدیدی بر سر منافع خود در ایران داشتند. هر امتیازی که یکی از این دو کشور به دست می‌آورد، دیگری سعی می‌کرد، مشابه آن را تحصیل کند. اگر دولتمردان ایران به سوی روسیه تمایل می‌یافتند، انگلستان تلاش می‌کرد که آنها را از صحنه خارج سازد و اگر نفوذ انگلیس در حکومت ایران گسترش می‌یافت، روسیه به وسایلی متوسل می‌شد تا آن وضع را تغییر دهد. علی‌رغم این همه رقابت و اختلاف، پس از انقلاب مشروطه، ناگهان بین روسیه و انگلیس توافقی حاصل می‌شود که به موجب آن، ایران به مناطق نفوذ تقسیم می‌شود. بر اساس قرارداد تقسیم ایران، منطقه مرکزی کشور، بی‌طرف اعلام شد. مناطق شمال و قسمتی از غرب ایران، تحت کنترل روسیه قرار گرفت و نواحی جنوبی نیز به منطقه نفوذ انگلیس تبدیل گردید. این قرارداد در حالی امضا شد که حکومت ایران به علت بی‌کفایتی شاهان قاجار، به قدری تضعیف شده بود که روسیه و انگلیس برای انعقاد این قرارداد، حتی با دولت ایران نیز مشورت نکردند. این پیمان که به قرارداد 1907 مشهور شد خشم مردم ایران را برانگیخت و مجلس شورای ملی نیز با آن مخالفت کرد. علی‌رغم امتناع مجلس از تصویب این قرارداد، نیروهای روس و انگلیس، تا پس از انقلاب کمونیستی در شوروی، از ایران خارج نشدند.

آیت‌الله عالم‌گرا، عارف، بانای آیت‌الله "شیخ حسنعلی نخدکه، اصفهانی" (1321 ش)، در ایت‌الله شیخ حسنعلی اصفهانی معروف به نخودکی در حدود سال 1240 ش (نیمه ذی‌القعدة 1279 ق) در اصفهان دیده به جهان گشود و از کودکی تلاش و جدیت وافر در تزکیه نفس، تهجد و عبادت داشت. وی تحصیلات مقدماتی را در اصفهان فراگرفت و آن‌گاه ریاضیات، حساب و فلسفه را از محضر آخوند ملامحمد کاشی و جهانگیرخان قشقایی آموخت. سپس به نجف اشرف عزیمت نمود و در محضر بزرگانی چون سیدمحمد فشارکی، سید مرتضی کشمیری و ملا اسماعیل قره‌باغی شاگردی نمود. آیت‌الله نخودکی اصفهانی پس از مراجعت از نجف اشرف، در مشهد مقدس اقامت گزید و از محضر فرزندان این دیار نیز بهره‌مند گشت. او علاوه بر تدریس و تحقیق و عبادت بسیار، به مستمندان و نیازمندان توجه ویژه‌ای داشت. آیت‌الله نخودکی اصفهانی، بیشتر ایام عمر را در ریاضت‌های طاقت‌فرسا سپری کرد. وی دارای مقامات و کرامات بسیار بود که شرح جزئی از کرامات و کارهای خارق‌العاده وی در کتابی تحت عنوان نشان از بی‌نشان‌ها توسط فرزندش گردآوری و منتشر گردید. آیت‌الله نخودکی سرانجام در هشتم شهریور 1321 ش برابر با 17 شعبان 1361 قمری وفات یافت و در جنب ایوان عباسی (مقابل صحن ایوان طلا) در حرم حضرت رضا (ع) مدفون گردید.

انفجار دفتر نخست‌وزیری توسط منافقین، و شهادت مظلمانه "رحابه"، و "ناهن" (1360 ش)، پس از عزل بنی‌صدر از ریاست جمهوری، دشمنان انقلاب، با از میان بردن مسؤولین نظام قصد براندازی حکومت اسلامی را در سر می‌پروراندند. در این راستا، فاجعه هفتم تیر سال 60 و شهادت آیت‌الله بهشتی و 72 تن از یاران انقلاب، ثمره تصمیم شیطنی استکبار جهانی و دشمنان جمهوری اسلامی بود. پس از آن، گرچه عکس العمل سریع، قاطع و انقلابی حضرت امام خمینی (ره)، هرگونه ابتکار عمل را از دشمنان سلب نمود ولی کار به زعم دشمنان هنوز به اتمام نرسیده بود و طرح نابودی مسوولان طراز اول مملکت، در رأس فعالیت آنها قرار داشت. بدین ترتیب واقعه هشتم شهریور همان سال به وقوع پیوست و رییس جمهور محبوب، محمد علی رجایی و نخست وزیر متفکر و دانشمندش، حجت الاسلام دکتر محمد جواد باهنر در انفجار دفتر نخست وزیر به درجه رفیع شهادت نائل آمدند. شهید رجایی پس از پیروزی انقلاب، مسوولیت وزارت آموزش و پرورش را به عهده گرفت و به دنبال تمایل مجلس، در مردادماه 1359، به عنوان اولین نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران به مجلس معرفی و برگزیده شد. سرانجام به دنبال عزل بنی‌صدر، شهید رجایی به ریاست جمهوری انتخاب شده بود. شهید باهنر نیز با داشتن سابقه مبارزاتی در عرصه انقلاب، با فرمان حضرت امام، به عضویت شورای انقلاب اسلامی درآمد. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به نمایندگی مردم کرمان در مجلس خبرگان قانون اساسی، نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و وزارت آموزش و پرورش رسید و پس از انتخاب شهید رجایی به ریاست جمهوری، به عنوان نخست وزیر به مجلس معرفی شد و با رأی قاطع مجلس، کابینه خود را معرفی کرده بود.

تاسوعای حسینی (61 ق)، روز تاسوعا یا روز نهم ماه محرم آخرین روزی است که حسین بن علی (ع) سومین امام شیعیان و پاراننش شبانگاه آن را درک کرده اند و این روز به شب عاشورا پیوند خورده است. این روز در نزد شیعیان از اهمیت بالایی برخوردار است. شیعیان این روز را منتسب به عباس بن علی (ع) نیز می‌دانند، و این روز را بسان روز عاشورا گرامی داشته و در آن به سوگواری می‌پردازند. تاسوعا بزرگداشت شهادت اسوه ایثار، ادب و دلاوری بزرگ مردی است که با گذشت بیش از هزار و چهارصد سال، هنوز تاریخ، روشن از کرامت‌های اوست و نام او با وفا و ادب و مردانگی همراه است.

حجاب، حضرت ابوالفضل، العباس، (ع) به امان نامه: ی شمرد، ذی الحجه، (961)، شمر بن ذی الجوشن در عصر روز نهم محرم، چون دید که عمر بن سعد مہیای نبرد با امام حسین(ع) است، به نزدیک خیام حسینی آمد و بانگ زد که: فرزندان خواهرم کجایند؟ منظورش حضرت عباس و سه برادرش به نام: های عبدالله، جعفر و عثمان بود که از فرزندان فاطمه و ی ام البنین(س) بودند. آن مجتله از قبیلہ ی بنی کلات و شمر هم از همین قبیلہ بود. امام حسین(ع) که صدای شمر را شنید به برادرانش دستور داد که جواب شمر را بدهید، اگرچه او فاسق است ولیکن با شما قرابت و خویشی دارد. حضرت عباس(ع) به همراه سه برادرش به نزد شمر رفتند. شمر برای آنان، امان نامه: ی آورده بود، مشروط بر این که از یاری حسین(ع) دست بردارند و سپاهش را ترک گویند. حضرت عباس(ع) فرمود: بریده باد دست: های تو و لعنت باد بر امانی که برای ما آورده: ی. ای دشمن خدا! ما را امر می: کنی که دست از برادر و مولای خویش برداریم و سر در طاعت ملعونان برآوریم. آیا ما را امان می: دهی ولی برای پسر رسول خدا(ص) امانی نیست؟ شمر از شنیدن این پاسخ دندان: شکن، خشمناک شد و به لشکرگاه خویش برگشت. در این شب، امام حسین(ع) برادر خود حضرت ابوالفضل را به اردوگاه دشمن فرستاد که آن شب را مهلت بخواهد، برای این که امام و یارانش به نماز و راز و نیاز با خداوند بپردازند.

ولادت حضرت مہسہ، (ع) (قابوس یا ولید بن مضعب) با این که از انعقاد نطفه در میان بنی اسرائیل جلوگیری می کرد تا آنجا که حتی مردان را از زنان جدا و از شهر خارج نمود و هر بچه ای از زنان بنی اسرائیل به دنیا می آمد به وسیله مأورانش اطلاع یافته با دست نظامیان کشته می شد ولی چون خواست خدا این بود که موسی علیه السلام به دنیا بیاید.

در شبی که منجمان پیش بینی کرده بودند، خدای متعال یوخابه همسر عمران را به کاخ فرعون به سوی شوهر خویش رهسپار کرد چرا که عمران نگهبان قصر فرعون بود در همان شب نطفه بچه منعقد شد ولی کسی باخبر نشد.

منجمین با استفاده از علم نجوم به فرعون خبر دادند که نطفه همان بچه منعقد شده، فرعون خشمگین شد و دستور داد هر جا زن حامله ای دیدند، شکمش را بدرند. اما قدرت خدا بود که بعد از شش ماه و دو روز موسی علیه السلام در روز نهم محرم به دنیا آمد و خداوند در میان آن محیط وحشتناک او را ننگه داشت.

مادر موسی علیه السلام به الهام پروردگار او را در صندوق نهاده و به رود نیل انداخت، دختری او را دید و کودک را پیش فرعون و آسیه برد، آسیه بچه را گرفت و بعد از گفتگوی زیاد قرار شد او را به فرزندی انتخاب کنند.

از طرف آسیه اعلام شد، زنان شیرده به دربار بیایند. موسی علیه السلام شیر هیچکدام را نخورد، در نهایت مادر موسی علیه السلام را آوردند و موسی شیر او را خورد، آسیه با حقوق کافی او را برای شیر دادن نزد خود برد و بدین طریق موسی در دامان مادر خویش بزرگ شد.

منبع: حوادث الایام، سید مهدی مرعشی نجفی، صفحه 25.
آمایش، بنانه، اول، بمب هسته: ای اتحاد حماه، شه، وی (1949م)
چهار سال پس از بمباران هسته: ای هیروشیما و ناگازاکی توسط آمریکا، با آزمایش نخستین بمب هسته: ای شوروی در 29 اوت 1949م، سلاح هسته: ای از انحصار آمریکا خارج شد و میان آمریکا و شوروی توازنی به وجود آمد که توازن وحشت نام گرفت. در این وضعیت، هر طرف به دلیل هراس از حمله اتمی طرف دیگر، از به کارگیری سلاح هسته: ای خودداری می: کرد. از آن پس آمریکا و شوروی به جنگ تبلیغاتی علیه یک: دیگر روی آوردند که میان دو بلوک شرق و غرب ادامه داشت. اگر چه با اضمحلال اتحاد جماهیر شوروی، تهدید سلاح هسته: ای کاهش یافت اما هنوز این تهدید به ویژه از جانب دولت: های هم: چون آمریکا و رژیم صهیونیستی، علیه کشورهای

مستقل و مخالف با سیاست: های توسعه طلبانه آن: ها، ادامه دارد.
تولد "جان لاک" فیلسف انگلیسی م معما، فلسفه حکمت دمه: ای (1632م)
جان لاک، فیلسوف و نظریه: پرداز معروف انگلیسی و بنیان: گذار فلسفه حکومت دموکراسی در 29 اوت 1632م در رینگتن انگلستان به دنیا آمد. وی تحصیلات خود را در آکسفورد به پایان رساند و پس از آن به تدریس زبان یونانی، معانی بیان و فلسفه پرداخت. در دهه: های اولیه زندگی جان لاک، یک دوره پرتشویش و اغتشاش اجتماعی و سیاسی و درگیری بین جمهوری خواهان و سلطنت طلبان پیش آمد. با وجود این، لاک ملاحظه کرد که حوزه: های علمی که وی در آنها رفت و آمد داشت به کلّی از روح انقلابی زمان خویش بی: خبرند. ولی در زندگی لاک و دنیای پیرامونش چیزهایی بود که او را به تفکر برمی: انگیخت. در گیر و دار وقایع زمان، جان لاک به دلیل ترس از گرفتار شدن در زندان شاه، به فرانسه و سپس هلند گریخت و در آنجا به تفکر درباره فلسفی خود که اساس دموکراسی جهان است، پرداخت. کلید فلسفه لاک شامل دو کلمه "توافق قراردادی" است. وی اعلام داشت که تمام حکومت: ها، سراسر روابط انسانی و همه زندگی را، باید به مثابه داد و ستد تلقی کرد. رئیس حکومت به عوض تحمیل اراده خویش بر مردم باید خدمت خود را به مردم بفروشد. لاک می: گفت فلسفه تجارت را باید درباره حکومت و آداب و سلوک اخلاقی زندگی روزانه: مان به کار بست. ما باید در معاملات سیاسی خود همان اندازه خردمندانه

رفتار کنیم که در معاملات تجارتي&مان عمل مي&کنيم. لاک، ذهن انسان به هنگام تولد را هم&چون لوحه سفيد مي&دانست که تجارب حسي، مانند متن کتاب، از آغاز تولد تا زمان مرگ، بر لوح ذهن نوشته مي&شود. اين معلومات به صورت حفظيات شکل مي&پذيرد و حفظيات به گونه فکر و فکر به جامه عقل درمي&آيد. بنا بر اين عقل انسان چيزي جز ارزشيابي دنياي مادي که از دريچه&هاي حواس به داخل ذهن راه مي&يابد، نيست. لاک بر اين عقیده است که اشخاص مختلف، دنيا را به صور مختلف مي&بينند، زيرا اگرچه حواس به ظاهر يکي است، اما دنيا را متفاوت دريافت مي&کنند. لاک يك دوره عملي براي تعقل توصيه مي&کند و آن راه تساهل و مداراي مشترک است. وي حکومت خوب را حاصل قرارداد ميان انسان با انسان مي&دانست و وظيفه حکومت&ها را خدمت به مردم عنوان مي&کرد. لاک درباره حکومت عادلانه مي&گفت که بايد مبتني بر رضايت اکثريت مردم باشد. به مردم آزادي بيان، آزادي فکر، آزادي انتخاب و آزادي دين بدهد و براي آن که کار به خودکامگي نکشد، لازم است که سه قوه مقتنه، مجريه و قضائيه وجود داشته باشند. اما رؤياي لاک از حکومت آزادي خواه ملي فراتر رفت و او اصولي، هم براي حکومت بين&المللي و هم حکومت ملي، طرح افکند. به نظر لاک، دوره ترقي واقعي وقتي آغاز خواهد شد که کشورها نيز چون مردم، طبق يك قرارداد اجتماعي با هم متحد شوند و از لحاظ سياسي به يك&ديگر اتکا ورزند. لاک عقیده داشت که هدف همه حکومت&ها، حفظ حيات، آزادي و خوشبختي ملت&هاست، اصل عدالت مبتني بر نياز و احتياج مردم است و عملي که معلوم مي&دارد مردم به چه چيز احتياج دارند، صداي آنهاست. وي در اين جا عنوان مي&کند که اخلاق و رفتار خوب، نتيجه حکومت خوب است. لاک، علم اخلاق را هم&چون سياست، به عنوان يك علم محض، بر پايه تجربيات حواس بيان نهاد. وي بر اين عقیده بود که اخلاق و رفتار خوب آن است که آدمي را به خوشي برساند و از رنج و زحمت به دور دارد. اما قانون اخلاقي ايجاب مي&کند که رفتار فرد بايد به بيشتري شادي براي بيشتري تعداد و تقليل درد و رنج از همه منجر شود. فلسفه لاک را مي&توان چنين خلاصه کرد: استقلال افراد در يك جامعه دموکراسي، اتکاي اقوام در کشورها به يك&ديگر در دنياي آزاد؛ استقرار اخلاقيات بر مبناي تعاون در ميان همه افراد بشر. از آثار عمده&اي که لاک در آن&ها به تشریح عقايد فلسفي خویش پرداخته است، مي&توان از کتب رساله درباره فهم بشر، اندیشه&هايي در باب تعليم و تربيت و معقوليت دين مسيح(ع) نام برد. جان لاک سرانجام در 28 اکتبر 1704م در 72 سالگي درگذشت.